

((چهارم و پنجم امرداد ماه سالروز درگذشت شاهان پهلوی))

چهارم امردادماه پنجاه و نهمین سالروز درگذشت رضاشاه کبیر؛ مردسرنوشت ساز ایران بود. مردیکه دشمنان سوگندخورده اش؛ که گمان میکردند باویران کردن آرامگاهش میتوانند نقش وی را برای همیشه از چهره ایران بزدایند؛ ولی امروز بیش از هر وقت سنگینی شبیح اورا احساس میکنند. و پنجم امردادماه ۲۳ سال از درگذشت محمدرضاشاه پهلوی آخرین پادشاه ایران میگذرد و نزدیک به دو ماه نیز از چهاردهمین سالروز درگذشت روح اله خمینی؛ نخستین ولی فقیه تاریخ ایران گذشت. از دیدگاه تاریخ مهم نیست که دفتر این دوزندگی؛ کجا و به چه صورت بسته شده باشد؛ زیرا که بهر تقدیر این دفتر دیرویز و یاز و دبسته میشد.

صدای محمدرضاشاه اگر هم در غربت و قاهره خاموش نشده بود؛ در روی تخت طاوس خاموش میشد و صدای خمینی نیز اگر در جماران فرونشسته بود؛ در نجف عراق فرومیشست و در هر دو صورت امروز؛ این هر دو مقیم همان دیار خاموشانی بودند که پیش از آنان هزاران سالگان دیگری رخت بدان کشیدند و در چنین دیاری؛ میان شاهان و فقیران و فقیهان؛ ستمگران و ستم دیدگان؛ توانگران و مستمندان؛ نشانی از پستی ها و بلندیهای این جهان در کار نیست؛ آنچه که در کارنامه تاریخ واقعا از زندگانی اینان ثبت میشود؛ ترازنامه ایست که از این زندگی بر جای میماند و اقلام سودوزیاتی است که این ترازنامه در بردارد.

سالروزهای درگذشت این دو؛ یکی در شرایطی برگزار شد که جانشینان ضحاک ولی فقیه او را که در کارنامه حدود ۱۱ سال حکومتش جز مرگ و خون و ویرانی و فریب و شکست نمیتوان یافت؛ از زعامت پیامبرگونه اش در زیر گنبد مقبره اش که با پول فقیران طلا پوش شده است سخنها گفتند؛ و سالروز درگذشت دیگری؛ همچنان در خاموشی و تنهایی در گوشه ای از یک مسجد قاهره که بخواب جاودان رفته است.

۲۳ سال پس از مرگ محمدرضاشاه پهلوی؛ حق داوری نهانی درباره او با تاریخ است و داوری تاریخ معیارها و ضوابطی دارد؛ جدا از کینه توزیها و عقده ها؛ قضاوت و داوری تاریخ بر مبنای جمع و تفریق نهانی ترازنامه کاریک رهبر صورت میگیرد و نه بر مبنای موارد خاص؛ در آن صورت و رای موج افتراها و اتهامتها و دشمنیها؛ به روشنی مشخص خواهد شد مردیکه تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی رهبری ایران را به عهده داشت یکی از بهترین پادشاهان تاریخ ایران بود که با پی ریزی اقتصاد و آموزش پیشرفته کوشش کرد تا ملت ایران را قدم به قدم از جهان آدم های درجه دوم بیرون بیاورد و عملادرمسیر حقیقی همدوش با شرق و غرب هدایت کند. بطوریکه پول کشورمان ایران از سال ۱۳۵۳ خورشیدی تا هنگام باصطلاح انقلاب یکی از ده قدرت اقتصادی اول جهان در میان ممالک عضو صندوق بین المللی پول به شمار میامد؛ و نام ایران در فهرست ده کشور معتبر جهان در فاصله سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ میلادی بود و کشورمان ایران مقام نهم را داشت.

سالروز درگذشت محمدرضاشاه یکبار دیگر یاد بزرگمردی از تاریخ کشورمان را در دلمان بیدار میکند که بطور یقین یکی از ابر پادشاهان سه هزار ساله این تاریخ است؛ زیرا در میان ۴۴۶ پادشاهی که از آغاز دوران مادها تا پایان عصر پهلوی در ایران سلطنت کرده اند؛ او یکی از چهار پادشاهی است که در مقام سازنده ترین شاهان تاریخ ایران در کنار داریوش هخامنشی و انوشیروان و شاه عباس جای گرفته است.

اودر مقام معمار بزرگ ایران نو؛ کشوری از هر جهت عقب مانده را که پدرش در بدترین شرایط ضعف و فقر و انحطاط تحویل گرفته بود؛ بصورت یکپارچه و منظم و پیشرو تنهادر مدت زندگی یک نسل بمقام موفق ترین کشورهای جهان سوم بالابرد .

ایران برای محمدرضا شاه همه چیز بود برای کسانی که با کمک و همدستی این باصطلاح روشنفکران و ملی گرایان و کمونیست و چریک و مجاهد و کنفدراسیونهای خفه شده؛ قدرت را بدست گرفتند؛ هیچ!! آندسته از کسانی که میگفتند او برود؛ حاضرند همسرانشان گونی بر سر کنند؛ یا اسمشان در اسناد لانه جاسوسی از سفارت آمریکا درآمده است و یا خودشان در برابر دوربینهای تلویزیونی اعتراف کرده اند و یا آواره کوه و بیابان شده اند و نان نوکری خارجیان را میخورند و یا سیاست بازان جاه طلبی که پس از یک عمر منفی بافی و دروغ پردازی همراه با آخوند و ملا بقدرت رسیدند؛ اما نتیجه ای جز رسوا کردن خویش نگرفتند .

آقای میتران رئیس جمهور پیشین فرانسه میگوید: انقلاب ایران یکی از بزرگترین عملیات - انتحاری تاریخ یک ملت بود. کاری که در ایران انجام گرفت؛ یک خودکشی دسته جمعی بود؛ هیچ ملتی رانمی بیند که با دست خودش گور خود را کنده باشد و ما کندهای همه دستاوردهای سازندگی عصر پهلوی را به نابودی کشیدیم .

پنج مرداد ماه سال ۱۳۵۹ خورشیدی ؛ محمدرضا شاه پهلوی ۳۴ سال و یکروز پس از درگذشت پدرش دیده از جهان فرو بست. نه تنهادر شمنانی بسیار؛ بلکه دوست نمایانی نیز پیوسته کوشیده اند تا وی را مگری سیاست انگلستان بدانند. امروزه اسناد سیاسی محرمانه همین ابر قدرت آمریکا؛ مانند اسناد محرمانه همان ابر قدرت انگلستان؛ بسیاری از واقعات تاریخی را روشن کرده و این واقعات را درست برخلاف آنست که ادعا شده بود. هنوز صدای مهدی بازرگان اولین نخست وزیر حکومت من در آوردی ولایت فقیه طنین انداز است که صراحتاً گفت: اگر آمریکاییها کمک نمی کردند؛ انقلاب ما هیچوقت پیروز نمیشد .

پادشاه فقید ایران در بخشی از وصیتنامه خود چنین میگوید:
"توصیه میکنم که پس از نجات کشورم؛ جسد من در گورستان شهیدان جان باخته وطن دفن شود من در این دقایق واپسین با وجود تلخی زهر آگین مرض جانکاه؛ خاطرات عزیز را که به آن عشق میورزم؛ مرور میکنم وافق زیبا و وطنم را در برابر دیدگان دارم. خاطرات شالیزارها و کرانه های دریای خزر و مرغزارهای دیلم؛ خاطره های پربرف دماوند و سیلان و آذربایجان ؛ خاطره کوهستانهای سبز و خرم زاگرس کردستان و هامونهای عریان بلوچستان؛ خاطره اروندرود و خوزستان و هیرمند سیستان؛ دشت ارژن فارس و حاشیه سوزان خراسان و کرمان؛ شهرکهای استانهای ساحلی خلیج فارس و خاطره کوچ های عشایر دلیر و فداکار. بطور کلی با اندیشه به همه گوشه و کنار آن سرزمین مقدس و مردم پرتلاش و وطنم ؛ چشم از جهان فرو میبندم. به یاد داشته باشیم که صفحات تاریخ ما لحظات پراز فرازونشیب در خود دارد. حمله اسکندرو هجوم مغول نیز نتوانستند مشعل فرهنگ و تمدن باستانی ایران را خاموش کنند؛ مطمئن هستم که شعله های فروزان این تمدن برای سیهی اندوه بار نیز چیره خواهد شد و یک رستاخیز ملی افتخارات نسل حاضر را در تاریخ درخشان ایران ثبت خواهد کرد."

فرمان میدهم و از شما فرمان گذارن و فامند چنین می خواهم که پس از درگذشت من جسد مرا بدون تابوت و مومیانی در وطنم بخاک بسپارید تا هر چه زودتر اجزاء وجود من با ذرات خاک وطنم ممزوج گردد.

هم میهن : ملتی که از فردای استقرار رژیم آخوندی در کشورشان با کمبود جنگها و جنایتها و غارت‌های آن آشنا شدند و سرب‌به‌آسمان برداشتند و گفتند و می‌گویند:

خدایامرز (نوبه قبرش ببارد)

مقایسه میکنند؛ این مقایسه ایست که یکی قرین رحمت خداوند می‌گردد و دیگری سزاوار لعنت ابدی .

محمدرضا شاه یک واقعیت سیاسی ایران امروز است. نماینده و سمبل تصویری خاص از گذشته و آینده مملکت است. تصویر او؛ تصویر ایران است. این تصویر مردم کشورمان با تصویری که تروریست‌های شرقی و غربی عرضه میکنند؛ مقایسه میکنند.

مقایسه میکنند میان مردی که به هنگام ورود به ایران در پاسخ خبرنگار که پرسید:
چه احساس میکند؟ جواب داد هیچ !!

داوری مردم درباره محمدرضا شاه از همان فردای پیروزی تاریکی پرروشنائی؛ داورنی که در اصطلاح ساده خدایامرز خلاصه میشود؛ جزو خاطرات مشترک ملی ما شده است .

روانش شاد و یادش گرامی باد

حمید- منصور